

تحلیل گفتمان انتقادی کیهان بچه‌ها در مواجهه با پدیده‌ی اجتماعی و سیاسی  
انقلاب اسلامی (بر اساس شماره‌های چاپ شده در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۳)

سمیه عطاردی \*

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

پیدایش نشریه‌های کودکان و نوجوانان در ایران، به دوران مشروطه بازمی‌گردد. این نشریه‌ها از راه آشنا کردن مخاطبان با چگونگی زندگی و آموزش کودکان در کشورهای پیشرفته غربی، نگاهی ارزیابانه به زندگی خود و دیگران را در کودکان تقویت می‌کرد. بخش بزرگی از ادبیات داستانی این نشریات، از منابع خارجی گزینش و ترجمه می‌شد و پرکتیس‌های گفتمانی آن‌ها از جمله کیهان بچه‌ها در ارتباط با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به ویژه مناسبات قدرت و سلطه، شکل می‌گرفت. بر این بنیاد، این پژوهش در نظر دارد با تحلیل انتقادی متن مجله‌ی کیهان بچه‌های منتشر شده در بازه زمانی ۵ سال قبل از انقلاب اسلامی و ۵ سال بعد از آن به مثابه یک پرکتیس گفتمانی، با نگاهی ارزیابانه به چگونگی تولید این اثر، چگونگی مصرف آن، چستی نظم گفتمانی حاکم بر اثر و چگونگی فعال شدن گفتمان‌ها به شکل متن، برای دست‌یابی به تفسیری خاص و تقویت آن در دو برهه زمانی یاد شده و ابعاد تأثیرپذیری و یا شاید تأثیرگذاری این اثر در رخداد اجتماعی و سیاسی انقلاب در سطح جامعه و گفتمان‌های حاکم در آن، بصیرتی به دست آورد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، کیهان بچه‌ها، انقلاب اسلامی، گفتمان ایدئولوژیک.

۱. مقدمه

از اواسط دهه ۱۹۶۰م در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌های علاقه‌مند به مطالعه نظام‌مند ساختار، فرایند تولید و کارکرد گفتار و نوشتار، یک گرایش مطالعاتی بینارشته‌ای تحت عنوان «تحلیل گفتمان» ظهور کرد که خیلی زود به مثابه یک نظریه

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی so.atarodi@yahoo.com

کاربردی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی، مورد استقبال واقع شد.

نظریه و روش‌هایی که در رابطه با مطالعه تجربی روابط میان گفتمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی قلمروهای مختلف اجتماعی هستند، تحت عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» خوانده می‌شوند. «تحلیل گفتمان انتقادی، لزوماً حوزه‌ای بینارشته‌ای است و کار تفسیر روابط پیچیده بین نوشتار، گفتار، شناخت اجتماعی، قدرت، جامعه و فرهنگ را برعهده دارد» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۴) و بر مسائلی مثل رابطه زبان، قدرت ایدئولوژی و نقش آن‌ها در به وجود آوردن تشکلهای گفتمانی و شکل‌دهی جامعه استوار است. در میان این رویکردها، نظرگاه «فرکلاف»، مدون‌ترین نظریه‌هاست و برای تحقیق در حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه دارای روش‌هایی است.

## ۲. تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

به نظر فرکلاف: «زبان فرایندی اجتماعی است و به مثابه یک کردار گفتمانی<sup>۱</sup> در لابه‌لای روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک رویداد ارتباطی، محصور شده‌است.» (فرکلاف: ۱۳۷۹: ۹۶) او بر این باور است که گفتمان به مثابه کنشی اجتماعی در ارتباط نظام مند با دیگر کنش‌های اجتماعی و فرهنگی به جهان اجتماعی متشکل از معنا، هویت‌ها و روابط اجتماعی، شکل می‌بخشد و همزمان از آن شکل می‌پذیرد.

یکی از خاصه‌های شناختی گفتمان، کارکرد ایدئولوژیکی داشتن آن است. «در تحلیل گفتمان انتقادی، ادعا می‌کنند که پرکتیس‌های گفتمانی به خلق و بازتولید مناسبات قدرت نابرابر میان گروه‌های اجتماعی، مدد می‌رساند؛ این تأثیرات را تأثیرات ایدئولوژیک به شمار می‌آورند.» (یورگنسن، ۱۳۹۳: ۱۱۳) به نظر فرکلاف ایدئولوژی ابزار ایجاد و حفظ روابط قدرت در جامعه است و با وساطت زبان در نهادهای اجتماعی جریان می‌یابد. به بیان دیگر، «سلطه، ایدئولوژی‌ها را شکل می‌دهد و ایدئولوژی‌ها نیز گفتمان‌ها را شکل می‌دهند و گفتمان‌ها نیز به نوبه خود درصدد تولید و حفظ این روابط در متون برمی‌آیند.» (قهرمان، ۱۳۹۲: ۶۴)

رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن‌محور است یعنی به نحوی نظام‌مند تلاش می‌کند کاربرد زبان به منزله پرکتیس اجتماعی (نمونه‌های عملی از کاربرد زبان) را در

<sup>۱</sup> . discursive practice

رابطه با پرکتیس اجتماعی گسترده‌تری که آن، پرکتیس گفتمانی جزو آن است، تحلیل کند. این پژوهش در ساحتی سنجشی قصد دارد تا با تحلیل انتقادی متن مجله کیهان بچه‌های منتشر شده در بازه زمانی ۵ سال قبل از پدیده اجتماعی و سیاسی انقلاب اسلامی و ۵ سال بعد از آن به عنوان یک پرکتیس گفتمانی نسبت به موارد ذیل بصیرتی حاصل کند؛ چگونگی تولید این اثر، چگونگی مصرف آن، چستی نظم گفتمانی حاکم بر اثر و چگونگی فعال شدن گفتمان‌ها به شکل متن برای دستیابی به تفسیر خاص و تقویت آن در دو برهه زمانی یاد شده و ابعاد تأثیرپذیری و یا شاید تأثیرگذاری این اثر در رخداد اجتماعی و سیاسی انقلاب در سطح جامعه و گفتمان‌های حاکم در آن.

تاریخ پیدایش نشریه‌های کودکان و نوجوانان در ایران، به دوران مشروطه بازمی‌گردد. این نشریه‌ها از راه آشناکردن مخاطبان با چگونگی زندگی و آموزش کودکان در کشورهای پیشرفته غربی، نگاه سنجشی به زندگی خود و دیگران را در کودکان تقویت می‌کرد. «نیمه نخست دهه ۲۰، مجله‌های تربیتی رواج داشت و مجله‌های سرگرم‌کننده از ۱۳۳۵ رواج یافتند. دست‌اندرکاران نشریه‌های کودکان هر روز بیش از پیش به ضرورت سرگرم‌کنندگی و لذت‌بخش بودن خواندنی‌های کودکان پی‌می‌بردند؛ پس با ورود گسترده تر نشریه‌های غربی به ایران و دسترسی به نشریه‌های گوناگون و سرگرم‌کننده کودکان غرب، این گرایش شتاب‌زدگی بیشتری گرفت. افزایش میزان مطالب سرگرم‌کننده همچون داستان‌های مصور و کمیک استریپ‌ها سبب بالا رفتن شمارگان نشریه‌ها شد.» (محمدی، ۱۳۸۱: ۶۶۷)

### ۳. کیهان بچه‌ها

«موسسه کیهان» در سال ۱۳۳۵ با پیشنهاد و مدیریت «جعفر بدیعی» به انتشار نشریه‌ای ویژه کودکان و نوجوانان پرداخت که در روز پنج‌شنبه، ششم دی‌ماه سال ۱۳۳۵، با عنوان کیهان بچه‌ها و شمارگان ۲۰ هزار نسخه، آغاز به کار کرد.

کیهان بچه‌ها با تأکید بر داشتن اندرون‌های سرگرم‌کننده و لذت‌بخش آغاز به کار کرد. ادبیات داستانی پایه اصلی مطالب این نشریه را تشکیل می‌داد و بخش بزرگی از ادبیات داستانی این نشریه، از منابع خارجی، گزینش و ترجمه می‌شد. داستان‌های ماجراجویی و فانتزی پس از افسانه‌ها بالاترین شمار را داشتند. «در میان ادبیات ترجمه، افسانه‌های ملل به ویژه در قالب کمیک استریپ به فراوانی در کیهان بچه‌ها منتشر می‌شدند. بیش‌تر داستان‌ها بدون نام نویسنده یا مترجم، منتشر می‌شدند. آوردن نام فضل‌الله صبحی بر بالای

افسانه‌ها و عباس یمینی شریف به عنوان نویسنده و مترجم پرکار این نشریه، به اعتبار کار می‌افزود.» (حسین‌زاده، ۱۳۷۰: ۱۲۱) بعد از انقلاب، این هفته‌نامه از سال ۱۳۵۷ و بعد از پایان اعتصابات سراسری مطبوعات، سری جدید خود را به صاحب امتیازی و سردبیری جعفر بدیعی و مشاورت عباس یمینی شریف، آغاز کرد. سکان هدایت کیهان بچه‌ها از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۲، بر عهده امیرحسین فردی بود که توانست با فراخوان نویسندگان کودک و نوجوان از هر طیف، سن و سلیقه، دوران درخشان این هفته‌نامه را خلق کند که تربیت بسیاری از نویسندگان پرتوان و خلق بسیاری آثار فاخر حوزه‌ی کودک و نوجوان، یادگار آن دوران بوده‌است. داستان‌های دنباله‌دار برای کودکان و داستان‌های مصور و جدول کودکان، از قسمت‌های جالب این مجله شصت‌ساله بود.

#### ۴. تحلیل گفتمان انتقادی کیهان بچه‌ها

موضوع اصلی تحقیق در این رویکرد، در دو حوزه چستی پرکتیس‌های گفتمانی به مثابه نمایه‌هایی از جهان، سوژه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی و نیز نقش کاربردی این پرکتیس‌های گفتمانی در پیشبرد منافع گروه‌های خاص اجتماعی است؛ برای مثال با تحلیل گفتمان انتقادی کیهان بچه‌ها در جایگاه یک پرکتیس اجتماعی، درباره ساختار، هویت‌ها و روابط اجتماعی عصر مورد نظر و نقش کاربردی کیهان بچه‌ها در جایگاه یک پرکتیس گفتمانی و سپس یک پرکتیس اجتماعی در پیشبرد اهداف دستگاه حاکم، اطلاعات شایسته‌ای به دست خواهیم آورد. گفتمان در این نظرگاه نه تنها گفتار و نوشتار بلکه تصاویر بصری را نیز دربرمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که گویی متن‌هایی زبانی‌اند.

در نظرگاه فرکلاف، گفتمان به ساختن هویت اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و معنا کمک می‌کند و با ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای پیچیده و در طول زمان، متغیر دارد.

«در رویکرد فرکلاف، هر کاربرد زبانی یک رخداد ارتباطی است و از سه بعد تشکیل می‌شود:

- یک متن (گفتار، نوشتار، تصویر بصری یا ترکیبی از این‌ها)؛
- پرکتیسی گفتمانی است که تولید و مصرف متن را دربرمی‌گیرد؛
- یک پرکتیس اجتماعی است؛

این مدل، چهارچوبی تحلیلی است برای تحقیق تجربی درباره ارتباطات و جامعه. هر تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی باید هر سه این بعدها را پوشش دهد و بر موارد زیر متمرکز شود:

۱. ویژگی‌های زبان متن (متن)؛
۲. فرایندهای مرتبط به تولید و مصرف متن (پرکتیس گفتمانی)؛
۳. و پرکتیس اجتماعی گسترده تری که آن رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (پرکتیس اجتماعی).» (یورگنسن، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

«بر این اساس، تحلیل رخدادهای ارتباطی در این رویکرد، شامل موارد زیر می‌شود:

- تحلیل گفتمان‌ها و ژانرهایی که در تولید و مصرف متن، مفصل‌بندی شده‌اند. (سطح پرکتیس گفتمانی)؛ تحلیل ساختار زبانی (سطح متن) و
- ملاحظات مربوط به اینکه پرکتیس گفتمانی، نظم گفتمانی موجود را بازتولید و یا برعکس، ساختاربندی مجدد می‌کند و نیز ملاحظات مربوط به پیامدهایی که این امر برای پرکتیس اجتماعی گسترده‌تر به همراه دارد. (سطح پرکتیس اجتماعی).» (همان: ۱۲۲)

#### ۴-۱. تحلیل انتقادی کیهان بچه‌ها در سطح پرکتیس گفتمانی

همانطور که گفته شد، در این سطح تمرکز بر روی نحوه تولید و مصرف متن و چگونگی فرایندهای پیش از چاپ متن است. «فرکلاف در ابتدا از موضعی زبان‌شناختی به متون می‌پردازد و سپس گفتمان‌هایی را که به آن‌ها متکی‌اند (میان‌گفتمانی) را شناسایی کرده و نحوه وابستگی میان متنیت آن‌ها به متون دیگر را نشان می‌دهد.» (همان: ۱۴۲)

نتیجه حاصل از تحلیل گفتمان‌های دخیل در تولید متن یا پرکتیس گفتمانی موردنظر، چگونگی تحولات ساختاری و محتوای آن را روشن می‌کند و فرضیه‌هایی را درباره شرایط تولید متن مورد نظر، ارائه می‌دهد. به لحاظ ساختاری، بر این اساس که کیهان بچه‌ها، مجله‌ای برای کودکان و نوجوانان با موضوعیت ادبیات است، ژانر روایت و داستان، در قبل و بعد از انقلاب، نمودی چشم‌گیر در آن دارد. بدون شک، این حضور پررنگ، ریشه در عقاید مسوولان و هیئت تحریریه مجله داشته‌است. جعفر بدیعی در این باره می‌گوید: «پرورش روحی و اخلاقی باید غیر مستقیم باشد و تربیت باید از درون وجود و ذهن آدم به بیرون اثر کند. ما خود آنقدر در ادبیاتمان دستورهای تربیتی داریم که هر کدام از ما باید حالا برای خودمان و برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، یک مربی

باشیم.» (بدیعی، ۱۳۷۶: ۱۸۰)

سومین مدیر مسوول کیهان بچه‌ها در خلال عقایدش به یک واقعیت تاریخی در حوزه ادبیات ژورنالیستی کودک اشاره می‌کند به این معنی که «با گسترش نشریه‌ها در دهه ۲۰، بخش بزرگی از ادبیات ترجمه در نشریه‌ها منتشر می‌شدند. در پایان این دهه از یک سو به سبب توجه بیشتر دست‌اندرکاران مطبوعات کودکان در گنجاندن مطالب سرگرم‌کننده و لذت‌بخش، از سوی دیگر دسترسی گسترده‌تر به منابع خارجی، میزان ترجمه در مطبوعات کودکان به ویژه مطبوعات خصوصی چندین برابر شد. در پی این دگرگونی، ادبیات ترجمه جای ادبیات تألیف را گرفت.» (محمدی، ۱۳۸۱: ۵۴۹)

بخش بزرگی از ادبیات داستانی کیهان بچه‌ها نیز از منابع خارجی، گزینش و ترجمه می‌شد. سخنان جعفر بدیعی در این باره جالب توجه است: «کوشش همیشه این بود که بهترین کتاب‌ها و مجله‌های خارجی را به دست بیاورم و از آن‌ها برای بچه‌ها سود ببرم.» (بدیعی، ۱۳۷۶: ۱۸۲) او در ادامه اشاره می‌کند که تعداد نویسندگان مجله در مقایسه با تعداد مترجمان آن بسیار کم تر بوده‌است. ادبیات ترجمه در کیهان بچه‌ها در قالب‌های افسانه، داستان‌های ماجراجویی، فانتزی، فکاهی و علمی - تخیلی بود که به صورت دنباله‌دار و در شکل‌های روایی یا کمیک استریپ یا داستان مصور چاپ می‌شدند.

برای مثال: افسانه‌هایی مثل «برادران گرگی» در شماره ۱۰۸۴؛ «شاهزاده کاین و شاهزاده خانم» در شماره ۱۰۰۶؛ «دختر دهاتی و کوه سنجاقی» در شماره ۱۱۱۸؛ «زول و یزیا» در شماره ۱۱۰۷ یا داستان‌های ماجراجویانه دنباله دار مثل «دو گم‌شده در جنگل» در شماره ۱۱۲۹؛ «زرو طرفدار قانون» در شماره ۱۱۱۸؛ «داستان دختر افسونگر» در شماره ۱۱۳۰؛ «داستان کشتی من» در شماره ۹۰۲؛ «سفره پر از غذا، مرغ تخم طلا و چوب کوبنده پیرصدا» در شماره ۱۱۰۷ و... نکته جالب توجه در نشریات و در کیهان بچه‌ها این مسأله بود که داستان‌های ترجمه، بدون ذکر نام مترجم به چاپ می‌رسید. «سبب اصلی این پدیده، کم بهادادن به کار ترجمه برای کودکان بود؛ زیرا بسیاری از مترجمان قلم زدن برای کودکان را خوار می‌شمردند و از دیگر سو، چون خوانندگان از آثار ترجمه‌ای استقبال بیشتری می‌کردند، برخی از نویسندگان اثر خود را با جابجایی نام‌ها و دگرگونی‌های دیگر، به جای آثار ترجمه می‌شناساندند.» (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۰۷)

قابل ذکر است که انتخاب داستان‌ها برای ترجمه و چاپ به عهده خود مترجمان بود و متون ترجمه بنا به خواست و سلیقه شخصی مترجم چاپ می‌شدند و در دسترس کودکان قرار می‌گرفتند و برنامه محتوایی از پیش تعیین شده‌ای برای گزینش وجود نداشت. «بر اساس

آماري که از سوي شوراي کتاب کودک منتشر شده، در سال ۱۳۴۹ تعداد کل آثار منتشر شده کيهان بچه‌ها اولاً به دليل مجله بودنش و دوماً به دليل هجوم بالاي آثار ترجمه‌اي، ۱۵۴ اثر بوده که از اين تعداد، ۱۲۰ اثر ترجمه بوده است. (قرشي، ۱۳۸۵: ۶۴) کيهان بچه‌ها اولاً به دليل ساختار ترکيبي مجله و ثانياً به دليل هجوم بالاي آثار ترجمه‌اي از فرهنگ‌ها و کشورهاي مختلف، به بيان فرکلاف، يک ويژگي بنيادين به نام ميان‌گفتمانيت پيدا کرده است. «ميان‌گفتمانيت هنگامي واقع مي‌شود که گفتمان‌ها و ژانرهاي مختلفی در يک رخداد ارتباطي واحد با يک‌ديگر مفصل بندي شوند.» (يورگنسن، ۱۳۹۳: ۱۲۸)

بر اين اساس، هريک از اين داستان‌ها يا افسانه‌هاي ترجمه‌اي يا غيرترجمه‌اي به منزله گفتماني وارد ساحت متن شده و با ديگر گفتمان‌هاي حاضر که در ادامه اشاره خواهيم کرد، يک رخداد ارتباطي يا يک پرکتيس گفتماني را ايجاد مي‌کنند.

در اين رويکرد، گفتمان نه تنها گفتار و نوشتار بلکه تصاوير بصري را نيز به منزله متن‌هايي زباني، دربرمي‌گيرد. به دليل دنياي کودکانه مخاطبان اين نوع مجلات، تصاوير مي‌توانند به مثابه يک پرکتيس گفتماني، تأثيرگذارتر از نوشتار و گفتار عمل کنند؛ به همين دليل در مجلاتي چون کيهان بچه‌ها «داستان در قالب کميک استريپ، در کادرهاي جداگانه تصويري، سلسله وار روايت مي‌شود. متن، بيشتري شامل سخنان شخصيت‌ها و گفتارهاست که در هر کادري درون حباب‌هاي قرار مي‌گيرند. در ايران، کميک استريپ‌ها از دهه ۳۰ به بعد به مجله‌هاي کودکان راه يافتند. دو عامل در کاربرد گسترده کميک استريپ‌ها در نشريه‌ها موثر بودند: فراهم شدن امکانات بيشتري براي چاپ تصوير و به ويژه تصويرهاي رنگي در صفحه‌هاي داخلي مجله و ورود نشريه‌هاي خارجي کودکان به ايران که به شکل گسترده‌اي از کميک استريپ استفاده مي‌کردند.» (محمدي، ۱۳۸۱: ۷۰۲) براي مثال، کميک استريپ‌هاي دنباله‌دار «سفر به ستارگان (سياره نفرين شدگان)» در شماره ۸۹۲؛ «مري پاپينز و چهار مرد خطرناک» در شماره ۱۰۰۷؛ «ماندارک و کوه ممنوع» در شماره ۱۱۰۵؛ «بچه‌هاي فضايي» در همان شماره و... وجه اشتراک همه اين کميک استريپ‌ها چه به لحاظ تصوير و چه به لحاظ داستان، ترجمه‌اي و هيچانگيز بودن آنهاست.

در پنج سال دوم مدنظر ما، با مخزن قراردادادن پدیده انقلاب و با توجه به تغييرات همه‌جانبه در سطح کلان و خرد اجتماع، در فضاي گفتماني کيهان بچه‌ها نيز تغييراتي بنيادين رخ داد. هدف چاپ و انتشار مجله ديگر صرفاً لذت‌رسانی و سرگرمي نيست بلکه طی تغييراتي بنيادين، تعليم کودکان بر پايه اصول اسلامي به عنوان هدف تعريف

شده‌است. بر این اساس، علی‌رغم این‌که ژانر غالب، هنوز ژانر روایی و داستان است، دیگر آثار ترجمه‌ای قادر به ادامه حیات و برآوردن خواسته‌های دستگاه حاکم نیستند؛ پس حضوری کم رنگ و در سایه پیدا می‌کنند و داستان‌های تألیفی با درون‌مایه‌های دینی و اخلاقی جای آن‌ها را می‌گیرند.

«داستان‌های مذهبی به دلیل شرایط جامعه و به خصوص تحولات سیاسی در سال‌های پایانی دهه پنجاه، گسترش بی‌سابقه‌ای داشتند. این قصه‌ها به سرعت نوشته می‌شدند و به سرعت نیز در سطح جامعه انتشار می‌یافتند. این داستان‌ها در مقایسه با دوره پیشین، در پی آن بودند تا پیام خاصی را به مخاطب خود القا کنند؛ پیامی که از حقیقت و از ایمان می‌گفت و در قالب کلمات و جملاتی پرشور و پراحساس بیان می‌شد.» (عسگری، ۱۳۷۲: ۳۵)

برای مثال، داستان‌های دنباله دار «آن کلام باشکوه» از بهار طائرپور در شماره ۴۵؛ «قصه‌های معلم شهید» از مرتضی مطهری در شماره ۵؛ «پیش به سوی حرم حسینی» از مصطفی رحماندوست در شماره ۷۲؛ «نامه‌هایی از جبهه جنگ» از جعفر ابراهیمی در شماره ۹۳؛ «گل مخملی» از شکوه قاسم نیا در شماره ۸۶؛ «روزی که خورشید درون خانه افتاد» از بهار طائرپور در شماره ۸۸؛ «گل آفتابگردان چه کسی را ستایش می‌کند» از بهار طائرپور در شماره ۸۸ و ... علاوه بر داستان، حضور شعر در شماره‌های بعد از انقلاب، بیش‌تر به چشم می‌خورد؛ برای مثال، شعر «پرواز» از وحید نیکخواه‌آزاد در شماره ۵؛ «رفت فصل سخت سرما» از بیوک ملکی در شماره ۱۸۰؛ «قصه‌های شیرین» از جعفر ابراهیمی در شماره ۷۳ و ... این تغییر در قالب کمیک استریپ‌ها نیز مشهود است. تصاویر بر مبنای اعتقادات دینی و فرهنگ بومی نقاشی شده و داستان‌ها یا از افسانه‌های قدیمی ایرانی یا داستان‌های تألیفی با درون‌مایه شیطنت کودکانه هستند؛ برای مثال، داستان دنباله دار «نخودی» از شکوه قاسم نیا در شماره ۸۴؛ داستان «تپل و میل» با درون‌مایه شیطنت دو کودک تپل در شماره ۸۵؛ «حسن کچل» از شهلا بارفروش در شماره ۱۳۱ و ...

#### ۴-۱-۱. گفتمان ایدئولوژیک

«ایدئولوژی در نظر فرکلاف عبارت است از (معنا در خدمت قدرت). به عبارت دقیق، ایدئولوژی‌ها از نظر او برساخته‌هایی معنایی‌اند که به تولید، بازتولید و دگرگونی مناسبات سلطه کمک می‌کنند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸۷) بنابراین تعریف «گفتمان‌ها می‌توانند کم و بیش ایدئولوژیک باشند. گفتمان‌های ایدئولوژیک آن‌هایی‌اند که به حفظ و دگرگونی مناسبات قدرت کمک می‌کنند.» (یورگنسن، ۱۳۹۳: ۱۳۱)



به بیان فرکلاف، مهار و کنترل اذهان اساساً یکی از کارکردهای نوشتار و گفتار است و بر این اساس، سلطه ممکن است از طریق اشکال ظریف روزمره و معمول نوشتار و گفتار که طبیعی و کاملاً مقبول به نظر می‌آیند، اعمال و بازتولید شود؛ تا جایی که گفتارها و نوشتارها به مثابه گفتمان مسلط، به سلطه مشروعیت دهند و موجب پذیرش آن در جامعه شوند. در باور فرکلاف «پیش‌فرض اساسی تحلیل گفتمان انتقادی، درک ماهیت قدرت و سلطه اجتماعی و در مرحله بعد، درک چگونگی بازتولید گفتمانی قدرت و سلطه است.» (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۶) ما نیز بر اساس همین پیش‌فرض به تحلیل کیهان بچه‌ها در جایگاه یک پرکتیس گفتمانی در محدوده دو دوره‌ی مورد نظر پرداخته‌ایم.

#### ۴-۱-۱. رژیم پهلوی: دیکتاتوری سلطنتی و پول نفت

«به اعتقاد هاشم پسران، دو نوع ثبات سیاسی وجود دارد که یکی بر اثر مشارکت فزاینده مردم ایجاد می‌شود و دیگری از راه سرکوب و زور. دولت ایران به رهبری محمدرضا پهلوی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲ ش آشکارا از الگوی دوم استفاده کرد. دولت شاه به فاصله یک دهه، ایران را به یک دیکتاتوری سلطنتی متکی به قدرت سرکوبگر ارتش و درآمد نفت تبدیل کرد؛ این‌ها منابع توأمان سلطه‌اش بر جامعه ایران بودند.» (فوران، ۱۳۸۳: ۴۶۱)

ایدئولوژی حکومت پهلوی که در خدمت مناسبات سلطه شاه بود، در درون خود چند ویژگی برجسته داشت. شاه به لحاظ جهان‌بینی و گرایش‌های سیاسی، رهبری کاملاً متمایل به غرب بود و بدون توجه به زیرساخت‌های جامعه‌ایرانی به نوگرایی بر اساس الگوهای غربی که از زمان پدرش شروع شده بود، گرایش داشت. «به همین دلیل تقلید از مظاهر غرب با استفاده از بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌ها برای ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، به شکل فزاینده‌ای افزایش یافت.» (کاتم، ۱۳۷۱: ۱۲)

گفتمان سیاسی مسلط عصر، گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی بود که در ساحت کیهان بچه‌ها به شکل مدرنیسم فرهنگی غرب‌گرا، بروز و ظهوری صددرصدی داشت. مدرنیسم فرهنگی بیش از هر چیز در پی تغییر و دگرگون‌سازی شخصیت کودکان در تمام سطوح بینشی و منشی در زندگی درون‌فردی و درون‌اجتماعی آن‌ها بود. در شماره‌های کیهان بچه‌های این دوره، درون‌مایه دینی که سدی در برابر دست‌یابی به مدرنیسم محسوب می‌شد، بسیار کم‌رنگ است و حتی در برخی شماره‌ها اِدا دیده نمی‌شود و بنیاد محتوایی مجله در ساحتی مهیج و سرگرم‌کننده، از محتواهای آموزشی و پندآموز دور شده است. داستان‌هایی مثل «خطر در زیر آب» در شماره ۸۱۵، تصویرگر دنیایی عینی و سراسر

ماجراجویی و اعجاب بودند و در مقابل، داستان‌های فانتزی چون «کدوی سحرآمیز» و «هانس اژدها کش» دنیایی فانتزی تخیلی را به تصویر می‌کشیدند. راهی که نه تنها با سنت تعلیمی حکایات ایرانی همراه نبود بلکه در مقابل، دنیایی متفاوت از فرهنگ و ساختار فکری ایرانیان برای کودکان ایرانی تصویر می‌کرد و در پی ساختارشکنی بود. تبلیغ پررنگ رقص به مثابه هنری مدرن و ضروری برای بشر در کنار گزارش‌هایی از تقدیر شاه و فرح از گروه‌های رقص مثلا در شماره ۸۱۸، گویای جهان‌هایی است که به دور از فضای دینی، تحت عنوان مدرنیسم فرهنگی، در حال پی‌ریزی بودند. یکی دیگر از کارهایی که در راه تقلید مطلق از فرهنگ غرب در شماره‌های قبل انقلاب انجام شد این بود که واژه‌هایی چون «مادمازل» معادل‌سازی شده و دختر خانم‌ها دوشیزه خطاب می‌شدند.

الگوسازی از رهگذر شخصیت‌های داستان‌های ترجمه‌ای محقق می‌شد که در قالب کمیک استریپ‌ها یا همان داستان‌های مصور، تاثیرگذارتر عمل می‌کرد. پوشش، نوع استایل و تیپ‌های بدنی شخصیت‌ها، حرکات بدن، حالت‌های ایستادن، عکس‌العمل‌ها و نوع رابطه قهرمان زن و مرد داستان با هم، همه و همه بر بنیاد فرهنگ غربی و برآمده از بطن این نوع تفکر بود؛ مثلا شخصیت‌های زن قصه، اکثرا موبور و با تیپ بدنی غرب پسند، تصویر می‌شوند؛ مثل شخصیت «لوری» در «جزیره‌های وحشت» در شماره ۸۱۵ و شخصیت «ساندرا» در «خلبان بی‌باک» در همین شماره.

در مجموع باید گفت که رژیم پهلوی برنامه‌هایی را در جهت غرب‌گرایی و اخذ مدرنیسم، طراحی و اجرا می‌کرد؛ زیرا تجددگرایی را به تغییر پوشاک مردان و زنان، نوگرایی صنعتی و ایجاد ارتش مدرن می‌دانست. مهم‌ترین گفتمان سیاسی مسلط در ایران عصر پهلوی، همان گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی بود.

ویژگی دیگر، پذیرش ناسیونالیسم شاهنشاهی به مثابه ایدئولوژی مشروعیت‌بخش نظام بود. «یکی از ویژگی‌های این ایدئولوژی، تأکید بر تاریخ و فرهنگ باستانی ایران به ویژه دوره هخامنشی و بی‌اعتنایی به فرهنگ و تاریخ اسلامی ایران بود. آن‌ها به طور کل، با احکام اخلاقی بیگانه بودند و می‌خواستند ارزش‌های اخلاقی را منحرف سازند.» (خزایی، ۱۳۸۶: ۷) از دیگر ویژگی‌های ایدئولوژی سلطه‌گرانه شاه، ترویج زندگی سکولار و سرمایه‌سالاری بود. تبلیغات پر رنگ و لعاب ابزارآلات آموزشی، اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت، دوچرخه‌های لوکس، لباس‌های مارک در کنار آموزش بازی‌های سرمایه‌مدارانه‌ای مثل گلف و اسب‌سواری و تشویق کودکان به سفر با هواپیما و رفتن به

شهربازی، همه و همه با هدف ترویج زندگی سکولار و سرمایه‌سالاری انجام می‌شد. متن آگهی تبلیغاتی زیر در شماره ۷۲۲، خود گویای همه این حقایق است. «بورس لباس کادویی کودک غوغا می‌کند... از شیک‌ترین، قشنگ‌ترین، مدرن‌ترین لباس‌های زمستانی در فروشگاه بورس لباس کادویی کودک، دیدن کنید و قشنگ‌ترین و شیک‌پوش‌ترین کودک دنیا شوید.» به واقع، شیک‌پوش‌ترین و قشنگ‌ترین و به‌روزترین کودک دنیا شدن، همان ایده‌آلی بود که مدرنیسم مطلقه پهلوی، کودکان را به آن سوق می‌داد.

بر بنیاد ایدئولوژی که شرح آن گذشت، برای خدمت به مناسبات سلطه حکومت پهلوی در اجتماع، پرکتیس‌های گفتمانی خاصی به مثابه بازتولید گفتمانی قدرت و سلطه، شکل گرفت که در کیهان بچه‌ها نمود بالایی دارند. «از آنجا که رسوخ فرهنگ غرب در جامعه ایران، پیش از هر عامل دیگر، از راه ترجمه متن‌ها در حوزه‌های گوناگون فکر و اندیشه انجام پذیرفته است» (محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵۲۰) از بارزترین جلوه‌های حضور گفتمان قدرت در قالب ایدئولوژی غرب‌گرایانه، در ساحت کیهان بچه‌ها نیز هجوم بالای داستان‌های غرب و جایگزین شدن ادبیات ترجمه به جای ادبیات تألیفی است؛ به گونه‌ای که در سطح جامعه، «بیش‌تر مطالب مجله‌ها از منابع خارجی تهیه می‌شد و نگاه گرداندگان مطبوعات، پیوسته به الگوهای خارجی دوخته شده بود.» (همان: ۵۴۹)

همراه با ورود این آثار ترجمه‌ای، گفتمان‌های نهفته در آن‌ها و ایدئولوژی‌هایی که بر بنیادشان شکل گرفته بودند، پا به ساحت کیهان بچه‌ها و دنیای کودکان ایرانی گذاشتند و نظم گفتمانی جدیدی را با محتوای «غرب‌الگوی خوبی است» در اثر ایجاد کردند که در خدمت ایدئولوژی و اهداف خاص قدرت حاکم بود.

از دیگر جلوه‌های گفتمان مسلط بر پایه ایدئولوژی غرب‌گرایانه، کمیک استریپ‌ها و داستان مصورها بودند که از جاذبه تصویر و رنگ در جهت تولید مناسبات قدرت استفاده می‌بردند. «موضوع برخی داستان‌های کمیک استریپ، ماجرای سرگذشت استعمارگران و ماجراجویان امریکایی و اروپایی در سرزمین‌های دیگر بود. این‌گونه داستان‌ها، افزون بر ماجراهایی که داشتند جای مناسبی برای طرح اندیشه‌های استعماری و تبعیض‌گرایانه به شمار می‌رفتند. در این داستان‌ها همواره نیروهای خوب، اروپایی و امریکایی یا از نژاد سفید و گروه‌های بد، از ملت‌های دیگر و رنگین پوست بودند.» (محمدی، ۱۳۸۱: ۷۰۴) تصویرها نیز بدون هیچ گونه تغییر، همانند مطبوعات خارجی و در کنار متن‌های ترجمه، چاپ می‌شدند و سعی در جایگزین کردن دنیایی با شکل و شمایل غربی به جای دنیای

واقعی و اصیل کودکان داشتند. از دیگر شواهد ایدئولوژیک بودن فضای گفتمانی کیهان بچه‌ها، عدم حضور یا حضور بسیار ناچیز آثار دینی و اسلامی است. این حضور در سایه، صرفاً در قالب پیام تبریک به مناسبت تولد یا پیام تسلیت به مناسبت شهادت، نمود می‌یافت؛ برای مثال، پیام تبریک تولد حضرت محمد در شماره ۶۸۸ گواه دیگر اسلام‌ستیزی یا در سطحی خردتر، اخلاق‌ستیزی دینی در این اثر، در قالب هدف قرار دادن لذت‌رسانی و سرگرمی و دور شدن از اخلاقیات و آموزش دینی، قابل درک و دریافت است.

#### ۴-۱-۱-۲. جمهوری اسلامی: حاکمیت خدا، مشارکت مردمی

ایدئولوژی انقلاب سال ۱۳۵۷ بر بنیاد اسلام و آموزه‌های سیاسی و اجتماعی آن شکل گرفت که در صحنه بین‌المللی وجه تمایز آن با دیگر انقلاب‌ها بود. اسلام در این ایدئولوژی «اسلامی مترقی، انقلابی و مبارز که از خود هم حکومت و سیاست داشت و هم اقتصاد و آیین کشورداری، درک و دریافت می‌شد. اسلامی که نابرابری‌های طبقاتی را از بین می‌برد و جامعه‌ای برابر و برادر می‌ساخت. اسلامی که به خفقان، دیکتاتوری و استبداد، پایان می‌داد و به جای آن آزادی، حرمت‌اندیشه و تأمین حقوق اجتماعی انسان‌ها را جایگزین می‌ساخت. اسلامی که به نفوذ ابرقدرت‌ها در ایران پایان می‌داد و به جای آن، ایرانی مستقل و متکی به خود می‌ساخت.» (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

امام صراحتاً در سخنرانی‌های خود به هدف بنیادین انقلاب تأکید می‌کردند: «مسیر ما مسیر نفت نیست؛ نفت پیش ما مطرح نیست؛ ... این اشتباه است؛ ما اسلام را می‌خواهیم.» (فوران، ۱۳۸۳: ۵۹۰) لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶) با هدف یادشده مبنی بر ضرورت پیراستن جامعه ایرانی از مظاهر ضداسلام و معرفی فرهنگ غنی اسلام به مثابه سرچشمه زلال ولایت به همه جهانیان، تدوین شد. پس دو شاخصه ماهوی انقلاب سال ۱۳۵۷، اسلامی بودن و ضداستکباری بودن آن بود که با ایدئولوژی دستگاه حاکم سابق، در تضادی آشکار قرار داشت. بر بنیاد این دو شاخصه، ایدئولوژی حاکم به تولید و بازتولید گفتمان‌هایی منطبق با اهداف دستگاه جدید حاکم برای حفظ مناسبات آن پرداخت. در ساحت کیهان بچه‌ها نیز گفتمان‌های غرب‌گرایانه و غیر دینی متعلق به ایدئولوژی حکومت پهلوی بعد از پدیده انقلاب، دیگر قادر به ادامه حیات و بازتولید نظم گفتمانی اثر نبود و در تضادی آشکار، بر بنیاد ایدئولوژی اسلام‌گرایانه و ضد استکباری جمهوری اسلامی، با گفتمان‌های دیگری جایگزین شد.

اولین و بارزترین تغییر در گذار از ترجمه آثار غربی به تألیف آثاری مطابق با ایدئولوژی دستگاه حاکم بود. آثار ترجمه‌ای دیگر قادر به برآوردن خواسته‌ها و حفظ مناسبات جمهوری اسلامی نبود. پس نویسندگان متعلق به ایدئولوژی اسلامی، دست به تألیف آثاری در زمینه کودک با مفاهیم بنیادین مرتبط با ماهیت اسلامی و ضداستکباری جمهوری اسلامی، زدند. البته شایسته یادآوری است که آثار ترجمه‌ای بعد از انقلاب، به طور کامل حذف نشدند ولی نظارت بیشتری بر گزینش، ترجمه و چاپ آن‌ها اعمال می‌شد. «پس از انقلاب اسلامی، مهم‌ترین کارکرد مورد انتظار از فرهنگ و برنامه‌ریزی فرهنگی، انتقال پیام انقلاب به مردم و حفظ و ترویج ارزش‌های ناب اسلامی و انقلاب بود. تشویق نیروهای انقلابی مسلمان به انجام فعالیت‌های فرهنگی و حمایت از تولیدات فرهنگی حاوی پیام‌های انقلابی و اسلامی، به رشد قشر وسیعی از کارگزاران و تولیدکنندگان جدید در حوزه فرهنگ و هنر انجامید.» (مشبکی، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷)

از دیگر تغییرات بنیادینی که در ساختار گفتمان کیهان بچه‌ها تحت تأثیر گفتمان قدرت در قالب ایدئولوژی اسلام‌گرایانه و ضداستکباری ایجاد شده بود، عبارتند از:

- در بالای صفحه جلد مجله زیر عنوان کیهان بچه‌ها قید زمان (دوره جدید) نوشته می‌شد که به لحاظ نشانه‌شناختی، گویای متفاوت بودن مجله در مقایسه با شماره‌های گذشته است.

- در صفحه اول، آیاتی از قرآن مجید همراه با ترجمه و توضیحاتی درباره محتوای آن به زبان کودکان چاپ می‌شد؛ بخشی جدید تحت عنوان «گفت‌وگوی من و تو»، به ساختار کیهان بچه‌ها افزوده شده بود که در آن سردبیر با لحنی عاطفی و محترمانه، به طرح مسائلی در ارتباط با اسلام، انقلاب، رژیم شاهی، سیاست جهانی و ... می‌پرداخت. عنوان‌های این گفت‌وگوها، خود گویای محتوای آن هستند: «خدا همه‌جا هست» در شماره ۷۲؛ «روزه و رمضان» در شماره ۴۵؛ «استعمار استعمار استعمار» در شماره ۷۳؛ «انقلاب تمام‌شدنی نیست» در شماره ۲۷۴؛ «مستضعف» در شماره ۸۶؛ «روزی که کاخ ستم فرو ریخت» در شماره ۱۰۵؛ «امپریالیسم» در شماره ۱۰۱ و «آمریکا شیطان بزرگ است» در شماره ۱۱۰ و ...

- بخش دیگری که به کیهان بچه‌ها اضافه شد، بخشی تحت عنوان (از زبان امام یا پای صحبت امام) بود که بیانات و سخنرانی‌های امام را با زبانی کودکانه، برای کودکان بازنویسی می‌کرد. محوریت موضوعی این بیانات برای مثال، عبارت بودند از: «اسکتبار» در شماره ۸۴؛ «پیام امام در رابطه با افتتاح کنفرانس رسیدگی به جنایات امریکا» در شماره

۱۱۴؛ «سخنرانی امام به مناسبت فرارسیدن ماه محرم» در شماره ۱۱۰ و «سخنرانی امام خمینی با فرماندهان سپاه و پاسداران انقلاب» در شماره ۱۳۰ و ... .

- «برگ‌هایی از تاریخ» که با محوریت تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی، وقایع تاریخی مثل ولادت و شهادت ائمه اطهار و رسول اکرم و بعثت رسول در شماره ۸۷؛ «سال‌روز لغو امتیاز تنباکو» در شماره ۸۵ و ... را برای کودکان شرح می‌داد.
- «در کلاس قرآن» و «در کلاس امام» که در قالب این بخش‌ها آیه‌های قرآن و سخنان پندآموز امام برای کودکان به زبان کودکانه بازنویسی می‌شد.
- بر اساس تغییر اهداف کلی نظام مبتنی بر آموزش دینی و اخلاقی کودکان، داستان‌های کمیک استریپ در مقایسه با گذشته، کم‌تر چاپ می‌شد و در محتوا و سبک تصویرگری داستان‌های مصور نیز در زمینه رواج فرهنگ جهاد و شهادت، تغییراتی بنیادین دیده می‌شود؛ برای مثال، داستان مصور «فروود در خاک دشمن» در شماره ۲۸۲ و «گروه ضربت» در شماره ۲۵۸ از احمد غلامی به تصویرگری حسن بشیری.
- این بازتاب حتی در قسمت سرگرمی‌ها و جدول نیز مشهود است؛ برای مثال، جدول‌هایی که به شکل کلماتی همچون «اینار» طراحی می‌شد. در گزینه‌های حل جدول، سوال‌هایی مطرح می‌شد که در مسیر تربیت اسلامی، اخلاقی و انقلابی بچه‌ها کاربرد داشتند؛ برای مثال: «مرد پست و ظالمی که سر امام حسین را برید» و «سپاسگزاری از خدای مهربان» در شماره ۸۴؛ «کسی که در راه خدا کشته می‌شود» در شماره ۸۸؛ «نام دیکتاتور عراق که با ایران در حال جنگ است» در شماره ۸۶؛ «سود بهره‌ای که در اسلام حرام است» در شماره ۸۷ و ... و یا در قسمت بازی و سرگرمی‌های تصویری، طراحی مازهایی به شکل تانک در شماره ۲۷۰؛ یافتن و رنگ کردن مثلث‌های داخل تصویر درهمی از اشکال که در نهایت، شعار «مرگ بر آمریکا» رنگ‌آمیزی می‌شد در شماره ۱۰۶ و بازی‌های تصویری بگرد و پیدا کن که در شماره ۹۶، کودک باید درون تصویر، ساکنان سرخپوست بومی آمریکا را که ازدست متجاوزان پنهان شده‌اند را پیدا می‌کرد و یا تشخیص اختلاف میان تصاویر در قالب نقاشی که شخص با تفنگ، قصد شکار پرنده‌ای را دارد تا آن را در کلاهش که به شکل قفس است، زندانی کند، در شماره ۴۵ و ... .

#### ۴-۱-۲. گفتمان قابلیت فردی (گفتمان هویت‌بخش)

در شماره‌های بعد از انقلاب، زیر عنوان *کیهان بچه‌ها* روی جلد مجله نوشته می‌شد: «دوره جدید (برای بچه‌های انقلاب)». (دوره جدید) گویای هویت مستقل اثر در مقایسه با

شماره‌های قبل از انقلاب است و عنوان (برای بچه‌های انقلاب) به لحاظ نشانه‌شناختی از جانب ایدئولوژی غالب، با کودکان به گفتمانی هویت‌بخش می‌پردازد تا قابلیت‌های فردی آن‌ها را به مثابه یک فرد انقلابی مسوول به او یادآوری کند. در این شماره‌ها کودکان مثل دوره قبل، صرفاً دریافت‌کننده متون ترجمه‌ای نیستند؛ بلکه در قالب شاعر و نویسنده، مبادرت به خلق آثاری می‌کنند که تحت تاثیر عبارت (برای بچه‌های انقلاب) با توجه به صفتی که در ابتدای اثر به آن‌ها نسبت داده شده، آثاری با موضوعیت انقلاب، دین، آزادی و عدالت، خلق و به بازتولید نظم گفتمانی حاکم بر مجله، کمک می‌کنند.

برای مثال، داستان «سرباز وفادار امام» و «جشن نیمه شعبان» در شماره ۴۵ یا شعرهای «به یاد روز ۱۵ خرداد» و «آزادی» در همان شماره و داستان «قلب کوچک او» با موضوعیت دیدار کودک با امام خمینی، در شماره ۶۱ و... .

بیشترین تاثیر هویت‌بخشی به کودکان، در شماره‌های بعد از انقلاب در بخش «گفت‌وگوی من و تو» انجام می‌شود؛ بخشی که در آن، سردبیر مجله همراه با لحنی کاملاً عاطفی و محترمانه در قالب لغات و عبارات هدفمند برای کودک، شخصیت‌سازی می‌کند و او را به سوی پذیرش ایدئولوژی حاکم پیش می‌برد. در شماره‌های قبل از انقلاب، از این دست گفت‌وگوهای صمیمانه به ندرت مشاهده می‌شود؛ تنها محل ارتباط و گفت‌وگو میان کودکان و سردبیر، قسمت «پست بچه‌ها» همراه با لحنی جدی و رسمی و خشک بود.

تا به این‌جا روشن شد که در هر دو دوره، چگونه پرکتیس‌های گفتمانی در ساحت کیهان بچه‌ها در ارتباط با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به ویژه مناسبات قدرت و سلطه، شکل گرفته بودند؛ قبل از انقلاب با اتکا به گفتمان‌های غرب‌گرایانه، سرمایه‌داری و استبدادی و بعد از آن گفتمان‌های دین‌مدارانه، ضداستکباری و انقلابی. به بیان ون‌دایک: «وقتی اذهان افراد زیر سلطه به نحوی تحت‌تاثیر قرار بگیرد که سلطه را بپذیرند و با اراده آزاد خود در جهت منافع صاحبان قدرت عمل کنند، ما تعبیر هژمونی (فراذستی) را به کار می‌بریم.» (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۸۸) همان‌طور که اشاره شد، تحلیل پرکتیس گفتمانی بر نحوه تولید و مصرف متن، متمرکز است. نحوه تولید کیهان بچه‌ها در جایگاه یک پرکتیس گفتمانی، در هر دو دوره بازخوانی و تحلیل شد؛ اما برای اثبات شکل‌گیری هژمونی در سطح جامعه، باید نحوه مصرف آن یا مخاطب‌پژوهی نیز انجام شود. با تحلیل و بررسی قسمت پایانی مجله در شماره‌های بعد از انقلاب که حاوی داستان‌ها، اشعار، نقاشی‌ها و پیام‌های ارسالی بچه‌ها از جای جای ایران است، به وضوح

می‌توان تأثیرپذیری همه‌جانبه آن‌ها را درک و دریافت کرد. آن‌ها بدون هیچ اجباری، با پذیرش ایدئولوژی حاکم بر پرکتیس‌های گفتمانی حاضر در کیهان بچه‌ها، با اراده آزاد خود در مسیر مناسبات همان گفتمان برتر و غالب، دست به بازتولید شعر و داستان و نقاشی زده‌اند؛ نقاشی‌هایی با محوریت موضوعی تظاهرات انقلابی، همراه با پلاکاردهایی که روی آن‌ها شعار «مرگ بر آمریکا، مرگ بر شاه» نقش بسته است، گواه این مدعاست.

#### ۲-۴. تحلیل انتقادی کیهان بچه‌ها در سطح متن

بر اساس نظریه فرکلاف «با تحلیل دقیق ویژگی‌های زبانی یک متن از طریق به کارگیری ابزارهایی خاص، می‌توان نشان داد که گفتمان‌ها چگونه به طریق متنی فعال می‌شوند و به یک تفسیر خاص می‌رسند و آن را تقویت و تحکیم می‌کنند.» (یورگنسن، ۱۳۹۳: ۱۴۳) با توجه به ساختار ترکیبی و ناهمگون کیهان بچه‌ها در جایگاه یک مجله، تحلیل آن از نقطه نظر یک متن همگون و یک‌دست امکان‌پذیر نیست؛ پس از میان ابزارهایی که فرکلاف برای تحلیل متنی پیشنهاد کرده‌است، ابزارهای ممکن را به منظور تحلیل متن، به کار برده‌ایم:

#### ۱-۲-۴. واژه‌پردازی

واژه‌پردازی، قلمرو عمده و شناخته‌شده بیان و اقناع ایدئولوژیک است. در شماره‌های بعد از انقلاب، نویسندگان کیهان بچه‌ها به کارکرد تأثیرگذار واژگان در حوزه بیان و اقناع ایدئولوژیکی پی برده بودند؛ به گونه‌ای که در قسمت «گفت‌وگوی من و تو»، واژه‌های مرتبط با ایدئولوژی دستگاه حاکم را برای کودکان از طریق آیات قرآنی و داستان‌های تاریخ اسلام توضیح و تفسیر می‌کردند؛ برای مثال: لغاتی همچون مستضعف، امپریالیسم، مستکبر، امام، صهیونیسم و ... یا «خوب، با این حرف‌ها حتماً معنی مستضعف را فهمیده‌ای. اگر من بیش‌تر از این هم حرف بزنم، دیگر سرت درد می‌گیرد. برای من نامه بنویس و بگو که چه کلمه‌هایی را برایت معنی کنم. برایم بنویس که آیا معنی کلمه‌هایی را که معنی کرده‌ام خوب فهمیده‌ای یا نه؟ منتظر نامه‌ات هستم.» (شماره ۸۷، ۱۳۶۰) در دوره جدید، همراه با سلطه ایدئولوژی دستگاه غالب، دایره واژگان خاصی که متعلق به آن گفتمان بودند نیز وارد ساحت گفتمانی کیهان بچه‌ها شد؛ از جمله لغات و تعبیرات اسلامی، اخلاقی، سیاسی، انقلابی و در سال‌های جنگ تحمیلی، اصطلاحات فرهنگ جبهه، جنگ، دفاع و شهادت؛ برای مثال: مسجد، شبستان، حکم الهی، بسیج، قرآن، مستضعفان، قیام، استقلال، رژیم، طاغوت، اعتصاب، جبهه، فداکاری، ابرقدرت جهان



خوار، مستکبر، ایمان، اسلام، راه خداوند، روز قیامت، شاه خائن، ضدانقلابیون، منافقین، یاران امام، خمپاره، گلوله، پاسدار، رزمنده، فرزند انقلاب، خط سرخ، شهادت، مسلسل، صهیونیسم، تحریم اقتصادی، امپریالیزم و ...؛ لغاتی که در شماره‌های قبل از انقلاب اصلاً دیده نمی‌شود یا بندرت به کار برده می‌شود. در مقابل، در شماره‌های قبل از انقلاب نیز با توجه به ترجمه‌ای بودن متون، لغات و تعبیراتی غربی در قالب خود لغت یا در قالب مفهوم آن لغت، کاربرد بالایی داشتند؛ برای مثال: اسامی غیرایرانی، ترن، پروفوسور، کاپیتان، گاراژ، باروت، آژیر، آکواریوم، افسر، ژست، هتل، تلفن، رزرو و ... .

واژگانی که در قسمت «گفت‌وگوی من و تو» به کار برده می‌شوند ارزش ارتباطی دارند؛ به این معنا که کلمات به ایجاد روابط میان مشارکان کمک می‌کنند مثلاً واژه‌هایی همچون دوست، برادر، خواهر، ما دوتا، خودمان و ... در زنجیره گفتار در قالب زبان محاور، همراه با لحنی دوستانه و عاطفی به هدف ایجاد رابطه اعتماد و همبستگی میان نویسنده و خوانندگان در متن زیر به کار برده شده‌اند:

«دوست خوبم! سلام. می‌خواستم این دفعه، درباره کلمه مستکبر برایت بنویسم؛ اما موقع نوشتن یادم آمد که خیلی چیزها را باید برایت توضیح بدهم. هرچه باشد ما دو تا دوست هستیم. شاید هم بالاتر از دوست؛ یعنی من برادر تو باشم و تو هم برادر و یا خواهر من باشی. به هر حال من که تو را نمی‌بینم اما از این راه، یک عالم حرف داریم که باید با هم بزنییم ... راستش را بخواهی من فکر می‌کنم اگر من و تو مشکلات همدیگر را ندانیم، دو تا غریبه هستیم اما اگر از مشکلات هم خبر داشته باشیم، دو دوست حقیقی هستیم آن وقت می‌توانیم به یکدیگر کمک کنیم.» (شماره ۸۸، ۱۳۶۰)

در طرح مسایل سیاسی در حاشیه انقلاب، بیش‌تر واژگان به خصوص واژگان توصیفی به طور صددرصدی و کاملاً هدفمندانه در اشاره به رژیم پهلوی دارای ارزش‌یابی منفی و در اشاره به جمهوری اسلامی دارای ارزش‌یابی مثبت هستند. بار عاطفی منفی واژگان در اشاره به رژیم پهلوی را می‌توان یکی از شاخصه‌های سبک‌ساز و متمایزکننده مکتوبات این دوره در مقایسه با دیگر دوره‌ها دانست؛ برای مثال در اشاره به اطرافیان شاه از واژه «نوکران»؛ ولی در اشاره به اطرافیان امام از واژه «یاران» استفاده می‌کند. دیگر واژگان دارای بار منفی عبارتند از: طاغوت، مستکبر، استبدادی، خائن، کافر، جاسوس، خیانت، کاخ ستم، یأس، سقوط، ظالم، جنایت، ابرقدرت و واژگان دارای بار مثبت از جمله حقیقت، عدالت، زیبایی، شجاعت، آغوش، امید، وحدت، دوستی، هدایت، پیروزی،

محبت و... . ساحت واژگانی کیهان بچه‌ها مملو از واژگان متقابل با ارزش‌گذاری مثبت و منفی است که در کشاکش تقابلی‌ها به یک‌دیگر معنابخشی می‌کنند.

طاعت	عدالت
مستکبر	عادل
نوکران	یاران
کافر	مسلمان
جاسوس	دوست
خیانت	خدمت صادقانه
کاخ ستم	پناهگاه امن
تفرقه	وحدت

واژگان متقابل با ارزش‌گذاری مثبت و منفی

#### ۲-۲-۴. دستور

در نظرگاه فرکلاف عقاید تحت نظارت ایدئولوژی درباره مسوولیت در قبال کنش‌های به لحاظ اجتماعی مثبت یا منفی، ممکن است به گونه‌ای متفاوت در قالب صورت‌های نحوی متفاوت بیان شوند. (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۴۴۰) دو عنصر گرامری عمده از نظر فرکلاف، «تعدی» و «تقید» هستند. به هنگام تحلیل تعدی، کانون توجه ما بر نحوه پیوند (یا عدم پیوند) میان رخ‌دادها و فرایندها با سوژه‌ها و ابژه‌هاست. جملات در این سطح، به لحاظ مجهول یا معلوم بودن و در نتیجه، تأکید بر عمل یا بر عامل داشتن، قابل بررسی هستند. در جملات مجهول که فاعل پنهان است، زمینه حذف مسوولیت عمل از عامل فراهم شده و توجه به خود عمل جلب می‌شود و برعکس در جملات معلوم که فاعل ذکر می‌شود، عامل در مرکز توجهات قرار می‌گیرد که اشاره‌ای ضمنی به مسوولیت مستقیم عامل در انجام عمل است. در قسمت «گفت‌وگویی من و تو» که مرکز تحلیل‌های متنی ماست، به دلیل ماهیت افشاگرانه انقلاب در قبال اعمال و افکار حکومت سابق و ماهیت آموزش‌گرانه و روش‌گرانه آن در قبال ماهیت اسلام و موضع‌گیری‌های انقلاب، ساختار جملات، معلوم و دارای فاعل هستند و تأکید بیشتر بر شناسایی فاعل از گذرگاه مسوولیتش در مقابل عملی که مرتکب شده، است؛ برای مثال: «ضد انقلابیون، منافقین، گروه‌های طرفدار شرق و غرب، دست به دست هم دادند و گل‌های سرخ اسلام را پرپر

کردند.» (شماره ۹۳، ۱۳۶۰) و یا «دولت از پول بیت‌المال خرج کرده‌است، به معلم‌ها حقوق داده، میز و نیمکت و مدرسه ساخته ... تا تو درس بخوانی.» (شماره ۸۵، ۱۳۶۰)

«تحلیل تقید بر میزان علاقه‌مندی یا وابستگی گوینده به جمله‌اش متمرکز است. یکی از انواع تقید، حقیقت است؛ به این ترتیب گوینده خود را به طور کامل به گفته‌اش متعهد و مقید می‌سازد. گوینده در جمله، ادعای معرفتی مشخصی را در قالب حقیقت که غیرقابل حذف است، مطرح می‌کند.» (یورگنسن، ۱۳۹۳: ۱۴۵) در متن‌های مورد نظر ما بیشتر جملات در قالب اخباری و با لحنی قاطعانه و صریح، ادا می‌شوند که نشان‌دهنده تقید بالای گوینده به گفته‌اش است که درصدد اطمینان‌بخشی به مخاطب از صحت آن‌ها است؛ برای مثال: «آمریکا به خاطر منافع و سودی که در ایران از دست داده بود توطئه می‌کرد. آمریکا می‌خواست باز هم ثروت‌های ایران را غارت کند؛ آمریکا یک کشور استعمارگر است؛ یعنی کشورهای دیگر را استعمار می‌کند.» (شماره ۷۳، ۱۳۵۹)

بعد از جملات اخباری، جملات امری برای برانگیختگی احساس ملی و مسوولیت‌پذیر کردن بچه‌ها، بیشتر به کار برده می‌شوند که گویای اطمینان گوینده از واقعیت داشتن و درست بودن مسأله‌ای است که دارد بیان می‌کند؛ برای مثال: «تو باید این روزها را بینی و بیاموزی؛ این روزها را به خاطر بسپار؛ این لحظه‌ها را فراموش نکن؛ تو فرزند انقلاب هستی و باید از این حادثه‌ها چیزهای بسیاری بیاموزی؛ بیاموزی تا در آینده، انقلاب را به پیش ببری.» (شماره ۹۳، ۱۳۶۰)

#### ۳-۴. تحلیل انتقادی کیهان بچه‌ها در سطح پرکتیس اجتماعی

تحلیل در سطح پرکتیس اجتماعی بر بنیاد بازیابی دو مسأله شکل گرفته است: اول «بررسی چگونگی رابطه میان پرکتیس گفتمانی و نظم گفتمانی‌اش و دوم، ترسیم شکل ساختارها و روابط فرهنگی و اجتماعی که تا حدودی غیرگفتمانی هستند و بستر گسترده‌تری را تشکیل می‌دهند که پرکتیس گفتمانی در آن قرار دارد.» (یورگنسن، ۱۳۹۳: ۱۴۹)

در بخش تحلیل کیهان بچه‌ها به مثابه یک پرکتیس گفتمانی، زنجیره گفتمان‌ها و ژانرهای مختلفی که در آن به عنوان یک رخداد ارتباطی یا یک پرکتیس گفتمانی واحد با یک‌دیگر مفصل‌بندی شده بودند، تحلیل و شناسایی شد.

در شماره‌های قبل از انقلاب، گفتمان غالب عبارت بودند از گفتمان‌های غیردینی، غرب‌گرایانه، سرمایه‌داری، استبدادی و در شماره‌های بعد از انقلاب، گفتمان‌های دینی،

انقلابی، اخلاق‌گرایانه، ضداستکباری، هویت‌بخشی و شهادت‌طلبانه که با مفصل‌بندی در کنار یکدیگر نظم‌گفتمانی این اثر را شکل می‌دادند. همه این‌گفتمان‌ها به مثابه کنشی اجتماعی در ارتباطی نظام‌مند با دیگر کنش‌های اجتماعی و فرهنگی به جهان اجتماعی متشکل از معنا، هویت‌ها و روابط اجتماعی، شکل می‌بخشند و همزمان از آن شکل می‌پذیرند. در واقع، میان‌گفتمان‌های حاضر در هر دو دوره و غیرگفتمان‌ها (تغییرات اجتماعی و فرهنگی هر عصر) نوعی ارتباط دیالکتیکی برقرار است که به شکلی دو سویه، سازنده و برساخته یکدیگر قلمداد می‌شوند. گفتمان‌های هر دوره در پی خلق و بازتولید مناسبات قدرت نابرابر میان گروه‌های اجتماعی و تحقق بخشیدن به کارکرد ایدئولوژیک خویش هستند. با توجه به نظم‌گفتمانی هر دوره که به آن اشاره شد، ایدئولوژی حاکم بر هر عصر به وساطت زبان و در قالب متون پر دامنه‌ای مثل مجلات، در نهادهای اجتماعی جریان می‌یابد و سعی در نهادینه کردن اصول خود دارد.

رویکرد متن‌محور فرکلاف به نحوی نظام‌مند تلاش می‌کند کاربرد زبان به منزله پرکتیس اجتماعی (نمونه‌های عملی از کاربرد زبان) را در رابطه با پرکتیس اجتماعی گسترده‌تری که آن پرکتیس‌گفتمانی جزو آن است، تحلیل کند. با خوانش انتقادی نظم‌گفتمانی حاکم بر هر عصر و نوع ارتباط میان گفتمان‌های مفصل‌بندی شده درون آن‌ها با ساختارها و روابط فرهنگی و اجتماعی، امکان حصول بصیرت درباره پیوند میان متن و ساختارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی برای ما مهیا می‌شود؛ مثلاً پدیده اجتماعی-سیاسی انقلاب اسلامی با بنیانی دین‌محور، از یک سو سازنده گفتمان‌هایی دینی، انقلابی، اخلاق‌گرایانه، ضد استکباری، هویت‌بخش و شهادت‌طلبانه است و از دیگر سو خود برساخته آرمانی این گفتمان‌های درون اجتماع محسوب می‌شود و تداوم آن بسته به تبدیل این گفتمان‌ها به پرکتیس‌های اجتماعی از رهگذر نهادینه شدن و بازتولید آن‌ها به وسیله نسل‌های حاضر و آینده اجتماع است. این‌جاست که نقش محوری مجلاتی چون *کیهان بچه‌ها* در حفظ و تداوم بخشی به مناسبات قدرت در هر دو دوره روشن می‌شود. همان‌طور که مشاهده شد، در دوره قبل از انقلاب نیز با توجه به بنیان‌های مدرنیسم‌باور و غرب‌گرایانه قدرت حاکم گفتمان‌های غیردینی، غرب‌گرایانه، سرمایه‌داری و استبدادی از راه زبان، نظم‌گفتمانی حاکم بر *کیهان بچه‌ها* را مفصل‌بندی می‌کردند و با ورود به دنیای کودکان به مثابه ادامه‌دهندگان این نوع تفکر و سلطه ناشی از آن، تضمینی برای حیات می‌یافتند. بر این اساس می‌توان گفت تحقق گفتمان به مثابه پرکتیسی اجتماعی و نیز تولید مجدد آن از راه

همین پرکتیس‌های شکل گرفته، غایت یک ایدئولوژی در مسیر حیات اجتماعی آن است که گاه با عدم بازتولید مواجه شده و میدان را برای سلطه ایدئولوژی دیگر بازمی‌کند. کودکان در جایگاه میراث‌بران اجتماع بشری در حفظ، تولید، بازتولید و تغییر ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های ناشی از آن‌ها، نقشی محوری دارند؛ از این رو انعکاس مستقیم تحولات اجتماعی - ایدئولوژیکی در متون مربوط به آن‌ها به وضوح مشاهده می‌شود.

### ۵. نتیجه‌گیری

با مخزن قرار دادن پدیده اجتماعی - سیاسی انقلاب اسلامی شاهد تغییری بنیادین در نظم گفتمانی حاکم بر کیهان بچه‌ها هستیم. پرکتیس گفتمانی کیهان بچه‌ها در قبل از انقلاب از راه پدیده‌های اجتماعی، ایدئولوژیک و سیاسی که در سطح جامعه شکل گرفته بود، دیگر قادر به بازتولید نظم گفتمانی حاکم (سابق) نبود و در قالب تغییراتی بنیادین، به تولید و ساختار بندی نظم گفتمانی متفاوتی مطابق با ایدئولوژی گفتمان غالب (جدید) در سطح جامعه، پرداخت. به بیان دیگر، نظم گفتمانی کیهان بچه‌ها چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن قلمرویی برای حضور گفتمان‌های ایدئولوژیک در خدمت مناسبات قدرت حاکم، چه دینی و چه غیردینی، بوده‌است.

براین بنیاد می‌توان نتیجه گرفت که پرکتیس گفتمانی کیهان بچه‌ها در هر دو دوره بر ساخته دیگر پرکتیس‌های اجتماعی تحت سلطه‌ی ایدئولوژی حاکم بوده‌است که به بازتولید آن ایدئولوژی در قالب جدید و مطابق با دنیای کودکان پرداخته‌است که با توجه به تأثیر پذیری آزادانه و ارادی کودکان (بیشتر بعد انقلاب) از آن به هژمونی ختم شده‌است. در این مرحله، کیهان بچه‌ها به مثابه یک پرکتیس گفتمانی در خدمت مناسبات قدرت به جهان اجتماعی مطابق با خواست دستگاه حاکم شکل می‌بخشد و آن را می‌سازد.

### منابع

- بدیعی، جعفر. (۱۳۷۶). «بیست و سه سال با کیهان بچه‌ها». پژوهش‌نامه تاریخ مطبوعات ایران، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۸-۴۰.
- حسین‌زاده، منصور. (۱۳۷۰). تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان. ج ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

خزایی، حسین. (۱۳۸۶). «شبه‌مدرن‌گرایی در رفتار مقامات پهلوی». *زمانه*، شماره ۵۷، صص ۶۲-۸۰.

زیباکلام، صادق. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*. تهران: روزنه.

عبدالحسینی کلانتری، مهدی. (۱۳۹۱). *گفتمان از سه منظر*. تهران: جامعه‌شناسان.

عسگری، محمدعلی. (۱۳۷۲). «موج‌های بلند در دریا‌های کوچک (مروری بر نیم قرن

تجربه ادبیات کودک و نوجوان)». *کلبه دانشجو*، شماره ۹ و ۱۰، صص ۸۱-۱۰۲.

فرکلاف، نورمن. (۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

فوران، جان. (۱۳۸۳). *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

قریشی، محمدحسین. (۱۳۸۵). *بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان*. تهران: صنم.

قهرمان، مریم. (۱۳۹۲). *ترجمه و تحلیل گفتمان انتقادی؛ رویکرد نشانه‌شناختی*. ج ۱، تهران: مؤلف.

کاتم، ریچارد. (۱۳۷۱). *ناسیونالیسم در ایران*. ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: کویر.

محمدی، محمدهادی؛ قائینی، زهره. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات کودک ایران*. تهران: چیستا.

مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۶۹). *تاریخ سیاسی معاصر ایران*. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.

مشبکی، اصغر و خادمی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و

سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی». *نامه پژوهش*، شماره ۱۴،

صص ۴۷-۶۳.

مک‌دانل، دایان. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه‌ی حسین علی‌نوذری،

تهران: فرهنگ گفتمان.

ون دایک، تئون ای. (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان‌کاوی*

*انتقادی*، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

یورگنسن، ماریان و فلیس، لوئیز. (۱۳۹۳). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه‌ی

قادر جلیلی، تهران: نی.